

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

کارگری خپه  
پ. صباح

## نمایش تفویض قدرت

پس از سپری شدن قریب هشت سال از دور راندن طالبان و اشغال افغانستان توسط قوای ناتو فانتیزی تأمین امنیت و روی کار آوردن دولت ایدال به یأس و ناامیدی مبدل گردیده و بازیکنان قضیه تلاش دارند تا با راه اندازی سناریو های تازه و اجرای به اصطلاح نمایشات تازه سیاسی روی صحنه را ظاهراً مرتب جلوه داده تا ضعف ها و ناتوانی های خود را در اجرای وعده های داده شده در عقب آن پنهان نمایند.

دست و پاچگی و ناامیدی بازیکنان سیاسی افغانستان آنها را واداشته است تا از یکسو با مراجعه به متحدین سابق و وعده تقسیم قدرت سیاسی با آنها از مشکلات فعلی شان اگر بتوانند بکاهند، و از جانب دیگر با نشان دادن چراغ سبز به طرفداران سردار بی سر محمد داوود بنیان گذار جمهوری نام نهاد در حقیقت دو فاخته را به یک تیر نشان گیرند. یعنی اینکه از یک جانب طرفداران راست محمد داوود را که تعداد شان در گوشه و کنار کم نیست مطمئن سازد که در تقسیم قدرت گویا از خاطر نرفته اند و از جانب دیگر طرفداران چپ محمد داوود یا آنده از بقایای حزب دموکراتیک خلق را که از دیر زمان به اینطرف با آرایش دادن های سیاسی و حضور در دور و حوش امپریالیزم موجودیت خود را منحصیث عناصر پُر تجربه و آماده به کار به چشم امپریالیزم میزدند اطمینان بخشند که گویا تجارب آنها نیز مد نظر گرفته خواهد شد.

از آن جائیکه پاکستان یک متحد دیرینه و ستراتیژیک امریکا در منطقه شمرده میشود و همواره در هر نوع تعاملات سیاسی و نظامی منافع امریکا و متحدین او از جانب حکومت پاکستانی مدنظر گرفته شده است، در عوض غربی ها نیز منافع و مشوره های مقامات سیاسی پاکستان را در هر اقدامی در این منطقه محترم شمرده اند. چنانچه از آغاز جنگ علیه حکومت تحت الحمایه شوروی پاکستانی ها و غربی ها با مشاوره همدیگر جبهه ضد شوروی را در افغانستان رهبری کردند. از تشکیل گروه های اسلامی تا دولت اسلامی، ترتیب و تنظیم گروه طالبان، به قدرت رسانیدن آنها، راندن آنها از قدرت، تجاوز نظامی، آوردن دولت ائتلافی متشکل از گروه های اسلامی، بقایای حزب دموکراتیک و ناسیونالیستها تا ترتیب و تنظیم دادن دوباره طالبان و آغاز دوباره جنگ در کشور حکومت و حلفات سیاسی مطرح پاکستانی همواره در کنار غربی ها قرار داشته، به صورت علنی و یا مخفی از ادامه جنگ و به

قدرت رسانیدن گروه های اسلامی پشتیبانی نموده، و در ایجاد فضای ترور و اختناق در میان کتله های مردم و روشنفکران از هیچ نوع تلاش دریغ ننموده اند.

طالبان این فرآورد تقریباً تازه و اخیر که محصول همکاری های بیشایبه غرب، آی، اس، آی بقایای سرخورده گروه های اسلامی افغانی و احزاب اسلامی پاکستانی میباشند دیگر دست تمامی اُمت های قبلی محمد بن عبدالله را در منطقه از عقب بسته و در تطبیق شریعت او نام محمد را از نو تازه کردند. گذشته از دوران حاکمیت شان که در آن از هیچ نوع اسلامی گری و انجام اعمال غیرانسانی دریغ نکردند، اینکه منحنی نیروی مطرح از جانب غرب در صحنه سیاسی و نظامی افغانستان، قدم های موثری برای برگشت به قدرت سیاسی می بردارند.

انگلیس ها منحنی اساس گذار و تمویل کننده اسلام سیاسی عقیده دارند که اسلام سیاسی مناسب ترین متحد آنها در حفظ منافع شان در منطقه میباشد. از همینرو در تلاش اند تا برای نگه داری از منافع شان در آن منطقه احزاب بزرگ اسلامی پاکستانی (جماعت اسلامی، جمعیت العلماء، سپاه صحابه، حرکت المجاهدین، حرکت الانصار، سپاه مجاهدین) را که هر کدام دارای هزاران فرد مسلح میباشند بیش از این مساعدت نموده و آنها را در صورت ضرورت در مناطق سرحدی وزیرستان، دیره اسماعیل خان، تره منگل، صوات، باجاور و برخی دیگر از مناطق سرحدی جا به جا نموده و به صورت یک دولت در آوردن تا بدین ترتیب هم آنها را در کنترل داشته باشد و هم از موجودیت آنها منحنی یک نیروی سرکوب برای جلوگیری از رُشد نهضت های چپ در منطقه استفاده نماید.

اما امریکائیان به این نظر اند که در شرایط فعلی نظام مذهبی اسلامی مانع عمده در راه گسترش مناسبات بورژوازی شمرده شده از این لحاظ تمایل دارند تا با تطمیع تدریجی آنها را از ساحه قدرت سیاسی دور نگه دارد. دولت بوش میخواست همین برنامه را به صورت تدریجی در افغانستان تطبیق نماید. او میخواست تا برخی از طالبان را که گویا خواهان اشتراک در قدرت سیاسی هستند با دست برداری از جنگ در مقابل امریکائیان در قدرت سیاسی شریک نماید، تا با آوردن انشقاق در صفوف طالبان از یک جانب مشکل خود را تخفیف دهد، و از جانب دیگر با آوردن وریانت جدید و چهارم (گروه های مجاهدین، تکنوکرات ها و ناسیونالیستها، بقایای حزب دموکراتیک خلق و طالبان) همه گروه هائی را که خواهان خدمت گذاری به امریکائیان در افغانستان هستند در اختیار خود داشته باشد. تا در زمان های لازم از هر کدام بر وفق ضرورت در ایجاد تفرقه در صفوف زحمتکشان کشور و پرده پوشی مبارزه طبقاتی و سرکوب نهضت سوسیالیستی که به موازات رُشد بورژوازی در حال شکل گیری میباشد، استفاده لازم به عمل آورد. دولت جدید امریکا با نمایش طرح های تازه استفاده از ربات ها در جنگ علیه طالبان در حقیقت میخواهد با نشان دادن چنین زیگنال پروسه پیوستن طالبان را با دولت تسریع نماید و برای این هدف از قبل زمینه سازی های داشته است.

از همینرو نماینده امریکا در افغانستان به صراحت ابراز داشت که قبل از شروع انتخابات اختلافات دولت با طالبان بایست حل و فصل گردد تا طالبان قبل از شروع انتخابات با به دست آوردن امتیاز شان با خاطر آرام بتوانند در انتخابات اشتراک نمایند. هدف از به تعویق افتیدن انتخابات فعلی هم همین بود تا وقت برای حل مشکلات از این ناحیه کمائی نمایند.

بحران مالی سرمایه داری و تأثیرات ناگوار آن بالای اقتصاد کشور های کاپیتالیستی بدون شک قدرت تعرضی و عملیاتی آنها را تضعیف نموده و دیگر قادر نمیشاندن مصارف گزاف عملیات دهشت افگنی، تروریزم، تفرقه اندازی، باندیتیزم و مخارج کمرشکن زندگی پُر تجمل فعالین عملیات ها را مخصوصاً در افغانستان و پاکستان تمویل نمایند. از همینرو تلاش دارند تا تحت نام جور آمد به اصطلاح ملی حلقات زنجیر استبدادی دشمنان مردم و دوستان

خود را به هم پیوست نموده تا از یک جانب ثقلت بار مخارج جنگ را تخفیف دهد و از جانب دیگر با ایجاد اداره باهمی از عناصر وابسته و جیره خوار اوضاع افغانستان را بهتر در کنترل خود داشته باشد.

اما تشییع سمبولیک اسکلتی به نام محمد داوود و به خاک سپاری آن بامراسم رسمی بعد از گذشت ۳۱ سال به مثابه چراغ سبز به طرفداران او چه هدفی را در قبال دارد. جهت توضیح این مسأله باید یک مقدار به ریشه های تاریخی آن نظر اندازی نمایم.

قضیه پشتونستان آب هیرمند، و شمولیت افغانستان در پیمان نظامی بغداد به مثابه نقاط کلیدی در چگونگی روابط افغانستان و غرب تأثیرات مهمی در بهبود ارتباطات فی ما بین غرب مخصوصاً ایالات متحده و حکومت افغانستان داشت.

در دسامبر ۱۹۵۳ بعد از استعفای شاه محمود جنرال محمد داوود از جانب پسرکاکا و شوهر همشیره خود محمدظاهرشاه به مقام صدارت برگزیده شد. او در عین زمان به حیث وزیر دفاع، وزیر داخله، سفیر افغانستان در پاریس و والی برخی از ولایات ایفای وظیفه مینمود. در آن زمان حکومت افغانستان جهت رفع معضلات اقتصادی که حکومت سابق گویا از حل آن عاجز مانده بود، کوشش نمود تا با جلب حمایت های مالی و تخنیکی کشور های خارجی مشکلات خویش را حل نماید. معضله پشتونستان که مانع عمده در راه بهبود روابط حکومت افغانستان و کشور های غربی بود داوود را واداشت تا تقاضای کمک از اتحاد شوروی نماید. در سال ۱۹۵۳ در ایام سفر نکسن معاون رئیس جمهور امریکا به افغانستان حکومت تقاضای کمک های اقتصادی را از امریکائیان نمودند. اما نکسن موضوع پشتونستان را پیش کشیده و از حکومت افغانستان تقاضا نمود تا به صورت یک طرفه از موضوع پشتونستان بگذرد. که این پیشنهاد مورد قبول حکومت قرار نگرفته و از همین لحاظ امریکائیان از دادن کمک های اقتصادی و عصری ساختن اردوی افغانستان معذرت خواستند.

خروسچف در یادداشت های خود نوشته بود که امریکائیان برای ساختن یک پایگاه نظامی میخواستند داخل افغانستان شوند. بعضی از حلقات نظامی افغانی آن زمان با این مفکوره مخالف بودند که وارد یک پیمان نظامی شوند و از این طریق جلوی پیشروی اتحاد شوروی را بگیرند. آنها عقیده داشتند که به جای پیمان های منطقه ئی در آسیا پیمان ناتو بایست تقویه گردد تا جلوی پیشروی شوروی گرفته شود.

پلان های اقتصادی حکومت و قت و رد کمک ها در ساحات ملکی و نظامی از جانب ایالات متحده باعث آن گردید که حکومت افغانستان تحت رهبری محمد داوود گامهایی به طرف اتحادشوروی بر دارد. که در ضمن آن قرضه سه و نیم میلیون دلاری برای اعمار دو سیلو و مساعدت های تخنیکی در موارد مختلف و همچنان اعمار یک فابریکه اسفالت و قیر ریزی برای اسفالت سرک های کابل بود. به همین سلسله کمک های شوروی ها در موارد دیگر نیز ادامه پیدا کرد. بعد از سفر خروسچف و بلگانین به افغانستان قرار داد هائی در ساحات گوناگون بین دو دولت منعقد گردیده و روسها از موضع افغانستان در قبال قضیه پشتونستان حمایت کردند. همچنان و عده کشور های اعمار شوروی برای انجام کمک ها در موارد تخنیکی و کشاورزی مانند احداث پروژه های زراعتی در مناطق مختلف کشور و ساختن فابریکات سمنت و نساجی و غیره نیز وعده داده شد، که با آن سطح وسیع روابط افغانستان و شوروی امریکائیان به محمد داوود لقب شهزاده سرخ را دادند.

گسترش روابط حکومت محمد داوود با شوروی ها در ساحات گوناگون اقتصادی، تخنیکی، فرهنگی، تجارتي، ترانسپورتی و نظامی برای تجهیز و عصری سازی اردوی کشور که تا سالهای ۱۹۵۹ به سرعت و بعد از آن به صورت نورمال ادامه داشت، موجبات تشویش دولت امریکا را بر انگیخت. از همین لحاظ امریکائیان به حکومت

افغانستان ابلاغ کردند که در حل قضیه پشتونستان با دولت پاکستان آنها می‌خواهند کمک کنند. این پیشنهاد از طرف حکومت داوود به عنوان نشانه ای از بهبود روابط بین امریکا و حکومت افغانستان تلقی گردیده و بعد از آن تاریخ کمک های امریکا در ساحات مختلف اقتصادی، نظامی، راه و میدان سازی، تعلیم و تربیه، تخریکی شروع شده و در مدت کم به میزان وسیعی رسید.

خرابی روابط افغانستان و پاکستان بر سر قضیه پشتونستان و بندش راه های ترانزیتی که صدمه زیادی به اقتصاد افغانستان وارد نموده بود، موجب تشویش حکومت گردیده و باعث بروز اختلاف بین شاه و صدراعظم محمد داوود گردید. که در نتیجه به استعفای صدر اعظم محمد داوود در سال ۱۹۶۳ شد.

طرح جمهوری شعار داوود بود که در زمان صدارت خود این مسأله را با محمد ظاهر، شاه وقت نیز طرح نموده بود. شاه به این مسأله موافقت داشت و میگفت که دیگر نمیتوان با حکومت شاهی حاکمیت خود را ادامه داد و زمان آن فرارسیده است که حکومت شاهی را به جمهوری تعویض کرد، اما برای تطبیق آن زمان را مشخص ننموده بود، که این موضوع مایه اختلاف محمد داوود و ظاهر شاه گردیده و از همین لحاظ وی تصمیم به استعفاء گرفت.

اما محمد داوود چه کسی بود؟

سردار مستبد پسر کاکا و شوهر خواهر محمد ظاهر شاه که در سال ۱۹۵۳ بعد از آنکه حکومت شاه محمود کاکای ظاهرشاه به بحران های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مواج گردید و از اثر وارد نمودن استبداد بیش از حد بالای نهضت های سیاسی، زیر فشار جنبش های مشروطه خواهی قرار گرفت و دیگر قادر به ادامه حکومت نبود، برای تغییر شکل حکومت و فریب مردم محمد داوود از جانب شاه به سمت صدراعظمی مامور گردیده و مؤظف شد تا حکومت جدید به وجود آورد. در زمان حکومت محمد داوود که از دسامبر ۱۹۵۳ تا ۹ مارچ ۱۹۶۳ ادامه یافت، سردار مستبد مانند کاکا هایش محمد هاشم و شاه محمود که از شدت آدم کشی به هاشم جلال و شاه محمود جلال مشهور بودند از هیچ نوع قساوت و دشمنی علیه جنبش های سیاسی و اجتماعی و روشنفکران کشور دریغ ننمود.

#### **فریزر تتلر سفیر وقت انگلیس مقیم کابل در باره خاندان نادر شاه و برادرانش مینویسد:**

این خاندان منافع انگلیس را در این قسمت آسیا به بهترین وجهه تأمین مینماید. وقتی قدرت به دست این خاندان میرسد سیاست داخلی و خارجی این کشور کاملاً یکجانبه متکی به انگلیس میشود.

در زمان صدارت سردار محمد داوود تعداد بیشمار روشنفکر و آزادی خواه با اعضای خانواده های شان اعم از اطفال و زنان و دختران نوجوان و پیران راهی زندان ها شده و مدت های طولانی را بدون سرنوشت در سلول های زندان سپری نمودند و یا صدها تن از روشنفکران اعدام و یا به صورت مرموزی به قتل رسانیده شده و یا تبعید گردیدند. در زمان حاکمیت آن ها در زندان های خانوادگی اطفال در زندان ها متولد گردیده و بعضی از آنها حتا تا ده سالگی شان خانه ای جز زندان نداشتند و با تصورات طفلانه شان فکر میکردند که گویا خانه شان همین است که آنها در آن زندگی میکنند.

بعد از سفر ظاهر شاه و ملکه حمیرا به ایالات متحده در سالهای دهه ۵۰ قرن ۲۰ امریکائیان از ایشان استقبال گرم به عمل آورده و حمایت کلی شان را از حکومت شاهی افغانستان ابراز نموده و عده هر نوع کمک را در ساحات مختلف به شاه دادند. از همینجا بود که در زمان صدارت محمد داوود امریکائیان او را شخص مساعد به خود دانسته و در آخر حکومتش از او حمایت بی قید و شرط خود را ابراز داشتند. و حتا در حل معضله پشتونستان به او و عده همکاری دادند.

محمد داوود به حیث یک عضو درجه دوم خاندان سلطنتی و وارث بلا استحقاق خاندان سلطنتی چانس رسیدن به رهبری دولت و حکومت را از مجرای خاندان خودش کمتر میدید، و از آن جاییکه او یک شخص خودخواه و قدرت طلب بوده و همواره در فکر رهبری کل کشور بود، یگانه راه برآورده شدن آرمان خود را در تعویض نظام شاهی به نظام جمهوری میدانست، تا از این طریق و با استفاده از نفوذ خاندانی خود در میان برخی از حلقه‌های سیاسی کشور و با استفاده از روابط با دولت امریکا و اتحاد شوروی و برخی کشورهای دیگر و از طریق یک حزب سیاسی که او در رأس آن قرار داشته باشد این آرزوی خود را برآورده سازد. بر سر همین مسأله او با شاه مخالفت داشت. شاه که گویا افکار او را از قبل میخواند حاضر نبود تا به این سادگی تسلیم محمد داوود شود. لذا داوود مجبور شد در مارچ ۱۹۶۳ استعفاء نامه خود را به شاه تسلیم نماید.

مانورهای محمد داوود برای رسیدن به قدرت سیاسی کل کشور، امرکائیان را به این فکر انداخته بود که شاید بتوانند از طریق وی بساط خاندان فیودالی را از رهبری افغانستان برداشته و به جای آن اساس اقتصاد بورژوازی را تحت رهبری سرمایه داری کمپرادور در این کشور به وجود آورند.

اما مخالفت محمد داوود در رابطه با قضیه پشتونستان همواره مانع بهبود روابط امریکا و محمد داوود میشد. روسها با توجه به مخالفت محمد داوود در رابطه با پشتونستان و تقاضای امریکائیان برای صرف نظر از قضیه پشتونستان استفاده نموده از موضع محمد داوود در قضیه پشتونستان پشتیبانی نموده و او را در دست خود داشتند. چنانچه در ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ روس ها از او به حیث سمبول استفاده نموده قدرت سیاسی کشور را بعد از یک کودتای سفید که به همکاری حزب دموکراتیک خلق رُخ داد به دست خود متمرکز نمودند. به تعقیب آن محمد داوود با تشکیل حزب غورزنگ ملی و با قرار گرفتن در رهبری آن به آرزوی خود نایل گردید. اما کودتای نظامی پاکستان تحت رهبری جنرال محمدایوب خان که قبلاً در زمان صدارت محمد داوود صورت گرفته بود و از جانب وی خطر جدی برای افغانستان تلقی میگردد، و همچنین تسلیح نظامی پاکستان توسط ایالات متحده و اخطارهای پی در پی محمد ایوب خان که قبلاً هم از طرف محمد داوود یک خطر بزرگ تلقی گردیده بود، برای تقویه نظامی در رابطه با موضوع پشتونستان و خطر از جانب پاکستان از روس ها طلب کمک های بیشتر نظامی را نموده و در زمان ریاست جمهوری نیز دوباره طرح نمود. اما کمک های روسها در مقایسه با تقویه نظامی پاکستان از جانب امریکا غیرقابل مقایسه بوده و به همین دلیل و نیز تمایلات امریکائیان به بهبود روابط و اجرای کمک های بیشتر به دولت محمد داوود به غرض جلوگیری از توسعه نفوذ روسها در منطقه، محمد داوود تغییر موضع داده و جانب غرب را انتخاب نمود. چنانچه در خلال سفر رسمی ایکه در اواخر حکومتش به مصر نمود و از آنجا به طور مخفیانه عازم امریکا شد (جزئیات سفر از جانب محمد خان جلالر وزیر تجارت و غلام سخی قومندان قوای هوایی که در سفر با وی بودند به کا، جی، بی اطلاع داده شده بود) و بعد از مراجعت به وطن آغاز به برچیدن مهره های طرفدار روسها از حکومت و توقیف اعضای رهبری حزب دموکراتیک خلق نمود. اما شمشیر روسها دیگر به گلپوش رسیده بود که تدور ۱۸۰ درجه سیاسی هم حیات او و حکومتش را نجات نداده و کودتای در کودتا توسط حزب دموکراتیک جان او و حکومتش را برای مستحق بعدی سپرد.

ادامه دارد